

چگونگی نهادینه کردن اندیشه نصب الهی امام در میان امامیه توسط امام باقر علیه السلام*

[روح الله رجیبی پور / محمدتقی سبحانی^۲]

چکیده

آموزه نصب الهی امام که از اندیشه‌های شاخص اعتقادی امامیه می‌باشد، تطورات مختلفی را پشت سر نهاده است. از جمله مهم‌ترین تطورات، طرح نخستین و اجمالی آموزه نصب، طرح تفصیلی و نهادینه کردن آن بین امامیان، و طرح آشکار آن در جامعه اسلامی است. در پژوهش حاضر یکی از تحولات اساسی این اندیشه که همان نهادینه کردن و عمومیت یافتن آن است، مورد کنکاش قرار گرفته است. پژوهش پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی سامان یافته است. یافته‌های این پژوهش چنین می‌نمایاند که گرچه ائمه علیهم السلام پیش از امام باقر علیه السلام نیز سخن از اندیشه نصب به میان آورده بودند، اما این امام باقر علیه السلام بود که با تلاش‌های خویش، اندیشه نصب الهی امام را در بین امامیان نهادینه کرد. نتیجه نهادینه شدن این اندیشه، فزونی باورمندان به امامت نصبی و عدم انشقاق بین امامیان در انتخاب جانشین برای امام باقر علیه السلام است.

کلیدواژه‌ها: اندیشه نصب الهی امام، جانشینی امام باقر علیه السلام، تاریخ کلام امامیه.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱.

۱. دانشجوی دکترای مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام

(نویسنده مسئول): roh.rajabipor@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی و رئیس انجمن کلام:

sobhani.mt@gmail.com

درآمد

آموزه نصب همچون سایر مباحث کلامی از آغازین ایام طرحش تا زمان حاضر، تطورات مختلفی را طی نموده است. از جمله این تطورات می‌توان به مرحله نخستین طرح آن، عمومی شدن این اندیشه بین امامیان و طرح آشکار این آموزه از سوی ائمه اطهار علیهم‌السلام در جامعه اسلامی اشاره کرد. بدین روی باید گفت اندیشه نصب الهی امامت دارای تطورات مختلفی است.

پژوهش حاضر تطوری از تطورات نصب الهی امام را مورد پژوهش قرار داده است. تطور انتخاب شده برای این پژوهش که یکی از تطورات اصلی این آموزه است، مربوط به دوره‌ای است که اندیشه نصب بین امامیان کاملاً تبیین شده و به صورت گسترده طرح و نهادینه شده بود؛ یعنی این‌گونه نبود که تنها خواص از امامیان با این آموزه آشنا باشند.

باید توجه داشت که از زمان طرح نخستین یک آموزه تا نهادینه شدن آن فاصله زیادی است. این دو، جدای از هم هستند. پژوهش پیش رو در صدد اثبات کند که با تلاش‌های امام باقر علیه‌السلام اندیشه نصب به صورت کامل تبیین و به صورت گسترده بین امامیان طرح شد تا آن‌جا که بین آنان نهادینه شد. با نهادینه شدن اندیشه نصب در جامعه امامیه، بسیاری از علاقه‌مندان به ائمه علیهم‌السلام در زمره باورمندان به امامت منصوب از جانب خداوند داخل شدند. بعد از شهادت امام باقر علیه‌السلام نیز امامیان اتحاد و انسجام خویش را از دست ندادند و به گروه‌های مختلف منشعب نشدند. آنان به امام منصوب از جانب خداوند بعد از امام باقر علیه‌السلام که امام صادق علیه‌السلام بود پیوستند.

مطالعه در مورد باورهای کلامی از منظر تاریخ کلام، می‌تواند سیر تطور آنها را روشن کند. این مسئله راهگشای بسیاری از امور است.

نوشتار حاضر با هدف تبیین نقش امام باقر علیه‌السلام در نهادینه شدن اندیشه نصب الهی امام در بین امامیان، در چند عنوان سامان یافته است. نخست به تلاش‌های امام باقر علیه‌السلام در تبیین و طرح مسئله نصب الهی اشاره شده است.

در گام بعدی به روش‌های به‌کاررفته برای باورمندسازی امامیان به این آموزه پرداخته شده است. در گام سوم پاسخ شبهه‌هایی راجع به اصالت آموزه نصب در امامیه آمده است و سرانجام به پیامدهای نهادینه شدن آموزه نصب در جامعه امامیه اشاره شده است.

طرح آموزه نصب الهی امام

منصوب بودن امام از سوی خداوند از شاخص‌های اعتقادی امامیه در پایان عصر امامت امام باقر علیه السلام است. در عصر آن امام اندیشه‌های مختلفی در زمینه رهبری بین شیعیان وجود داشت؛ گروهی از شیعیان اعتقاد داشتند امام کسی است که برای گرفتن حکومت سیاسی اقدام کند.^۱ از سوی برخی از شیعیان این سخن مطرح می‌شد:

صبر کنیم تا ببینیم که خود این دو شاخه بر چه کسی اتفاق نظر می‌کنند.^۲

در این بین، امام باقر علیه السلام نسبت به طرح گسترده نظریه نصب الهی امام - که توسط نص امام قبلی روشن می‌شود - و باورمندسازی امامیه به آن، اقدام کردند.

شایان ذکر است، از همان صدر اسلام، اندیشه منصوب الهی بودن جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از سوی ایشان در موقعیت‌های مختلفی بیان می‌شد. بعد از آن حضرت، ائمه پیش از امام باقر علیه السلام نیز از نصب الهی امامت سخن گفته‌اند. اما تفاوت در این است که امام باقر علیه السلام به طرح گسترده این اندیشه و تمام لوازم علمی آن در میان اقشار مختلف جامعه شیعه تأکید نموده‌اند. در حقیقت ایشان این باور را به سان یک مسئله علمی، با در نظر گرفتن ارتباط آن با سایر آموزه‌های اعتقادی در سطحی گسترده بین پیروان خویش مطرح کرده‌اند، به شبهات پیرامون آن پاسخ داده‌اند و کوشیده‌اند آن را به باور عمومی پیروان خویش تبدیل کنند. بر این اساس بایسته

۱. کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۲۳۳.

۲. نوبختی، حسن، فرق الشیعة، ص ۱۹.

است گفته شود، تحولی اساسی در تاریخ آموزه نصب در عهد امامت باقر علیه السلام رخ داده است. این تحول اساسی ثمرات بسیاری با خود به همراه آورده است.

از امام باقر علیه السلام روایت‌های فراوانی راجع به طرح و تبیین اندیشه نصب الهی امام موجود است که فراوانی آنها، اهتمام بسیار امام باقر علیه السلام به این آموزه را نشان می‌دهد. جابر از ایشان درباره نامیده شدن امام علی علیه السلام به «امیر مؤمنان» سؤال می‌کند. امام علیه السلام بیان می‌دارد که این نام‌گذاری از سوی خداوند بوده است؛ چنان‌که در قرآن فرموده است:

﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ﴾^۱

در ادامه نیز از مردم شهادت گرفته است که محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول او و علی علیه السلام «امیر مؤمنان» است.^۱

نکته شایان توجه این‌که نصب الهی از سوی خداوند، به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام قبلی بیان خواهد شد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: امام علی علیه السلام بزرگان شیعه را جمع کرد و آنان را شاهد بروصایت امام حسن علیه السلام قرارداد. کتاب و اسلحه خود را به امام حسن علیه السلام داد و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر کرد، همان‌طور که او کتاب و سلاح را به من بخشید، من نیز کتاب و سلاح را به تو بدهم و تو نیز باید آنها را به برادرت حسین بدهی. سپس به امام حسین علیه السلام فرمود: تو نیز به دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم باید آنها را به فرزندت علی بن حسین بدهی. سپس امام علی علیه السلام همین سخن را به امام سجاد علیه السلام نیز فرمود تا کتاب و اسلحه را به فرزندش محمد برساند.^۲

در این روایت به خوبی مشخص است که امام منصوب از جانب خداوند، با معرفی امامان پیشین شناخته می‌شود. کتاب و سلاح نیز، کتب خاص و سلاح خاصی است که تنها باید در اختیار امام معصوم هر عصری قرار گیرد و به همین جهت، یکی از نشانه‌های اصلی امامت است.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۱/۴۱۲.

۲. همان، ۱/۲۹۸-۲۹۹.

اقدامات امام باقر علیه السلام برای باورمندسازی امامیه به آموزه نصب الهی امام
صرف طرح یک اندیشه، نمی‌تواند منجر به نهادینه شدن آن بین مخاطبان شود. طراح آن اندیشه باید مقدمات و ابزاری را به کار گیرد که تحریض و شوق در مخاطب برای باورمندی به آن را ایجاد کند. امام باقر علیه السلام نیز برای باورمندسازی امامیه به اندیشه نصب، اقدامات فکری و عملی را در پیش گرفته است.

۱. اقدامات فکری امام باقر علیه السلام

۱-۱. نیازمندی عالم به امام

امام باقر علیه السلام برای تبیین مبنای فکری اندیشه نصب الهی امام، به بیان ضرورت وجود حجت الهی همت گماشته‌اند؛ چراکه پس از روشن شدن ضرورت وجود حجت الهی، ضرورت نصب الهی آن نیز روشن خواهد بود. به عبارت دیگر، وقتی وجود امری برای هدایت و سعادت بشر ضروری باشد و بدون آن امکان سعادت وجود نداشته باشد، براساس قاعده لطف بر خداوند فرض است که آن امر را محقق سازد. حال اگر امام باقر علیه السلام اثبات کنند که وجود حجت الهی برای هدایت و سعادت انسان‌ها ضروری است و بدون حجت الهی انسان‌ها سعادت‌مند نخواهند شد، طبعاً براساس قاعده لطف بر خداوند فرض خواهد بود که حجت‌های خویش را برای نجات انسان‌ها نصب کند. پس براساس این آموزه، همیشه از سوی خداوند در عالم حجتی منصوب خواهد بود.

در مورد ضرورت وجود حجت الهی، از امام باقر علیه السلام دو تفسیر عمده مطرح شده است: برخی از روایات بقای زمین و آسمان را مرهون حضور امام دانسته‌اند و بیان کرده‌اند که در صورت نبود امام، این عالم از بین خواهد رفت.^۱ دسته دیگر روایات نیز بر نقش معنوی و تعلیمی امام تأکید دارند. در این دسته از روایات آمده است که نبود امام، به بسته شدن باب معرفت الهی^۲ و عبادت نشدن خداوند^۳ خواهد انجامید.

۱. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین، ۱/۲۰۳. برای مشاهده روایات بیشتر رک: همان،

۲۰۴/۱؛ همو، علل الشرایع، ۱/۱۹۷، ح ۱۱ و ۱۲.

۲. همو، کمال الدین، ۱/۲۰۴-۲۰۵.

۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ص ۱۲۷-۱۲۹.

با واکاوی دقیق این دو دسته از روایات، به این نتیجه می‌رسیم که این دو دلیل، در امتداد و راستای یکدیگر هستند؛ به این معنا که در صورت نبود امام بر روی زمین، راه شناخت حقیقت مسدود خواهد شد و از سوی دیگر، چون حقیقت بندگی فقط با حجج الهی تحقق می‌پذیرد، خداوند عبادت نخواهد شد و در نتیجه، با از میان رفتن ارزشمندی و هدفمندی وجود عالم، عالم تکوین فلسفه وجودی خویش را از دست خواهد داد و از بین خواهد رفت. با طرح مسئله نیازمندی عالم به وجود امام از سوی امام باقر علیه السلام، امامیان به این نتیجه می‌رسند که همیشه حجتی از سوی خداوند وجود دارد و زمین هرگز خالی از حجت الهی نخواهد بود.

۱-۲. انحصار نجات در پیروی از امام منصوب از جانب خداوند

پس از طرح مسئله نصب الهی امام، از اموری که در نهادینه کردن آن در بین مردم و باورمندسازی آنان نقش مؤثری خواهد داشت، آگاه کردن آنان به ثمرات این اعتقاد است. توجه دادن امامیان به این مسئله که نجات دنیوی و اخروی شما در اعتقاد و محبت و پیروی از امامانی است که از سوی خداوند نصب شده‌اند، نقش مهمی در فراگیر شدن این اندیشه میان آنان خواهد داشت.

امام باقر علیه السلام در روایتی بر غیرمقبول بودن عبادت کسانی که معتقد به امام نیستند، تأکید نموده‌اند.^۱ ایشان هم چنین می‌فرمودند، هر کسی که اهل ولایت شمرده شود، طعم آتش جهنم را نخواهد چشید.^۲ آن امام همام به ابان بن تغلب می‌فرمایند: وقتی به کوفه رسیدی به مردم بگوهر کسی که کلمه «لا اله الا الله» را بگوید بهشت بر او واجب می‌شود. ابان از این کلام شگفت زده می‌شود و از امام علیه السلام می‌پرسد: آیا این حدیث را به همه افراد بگویم؟ آن حضرت می‌فرماید: بله؛ اما بدان که در روز قیامت توان گفتن کلمه «لا اله الا الله» از همه سلب خواهد شد، مگر معتقدین به امامت ما ائمه.^۳

۱. همان، ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲. برقی، احمد بن محمد، محاسن، ۱/۱۶۱.

۳. همان، ۱/۱۸۱.

۲. اقدامات عملی امام باقر علیه السلام

۱-۲. گسترش فرهنگ عمومی برای نهادینه کردن اندیشه نصب الهی امام

رهبران مکاتب فکری برای نشر و نهادینه کردن آموزه‌های خود در بین پیروانشان، از ابزارهایی استفاده می‌کنند که آموزه‌های مورد نظرشان را به سهولت بین مردم اشاعه دهند و نهادینه سازند. امام باقر علیه السلام نیز از این ابزارها در جهت ترویج آموزه نصب الهی امام و نهادینه کردن آن استفاده نموده است.

۱-۲-۱. حمایت از شاعران

از جمله اموری که در ترویج اندیشه‌ها بین توده‌های مردم بسیار نقش دارد، شعر است. شعر عربی پیش از اسلام دارای مضامین ضد اخلاقی بود. به همین سبب از سوی خداوند در قرآن کریم مورد مذمت قرار گرفت.^۱ اسلام با مطلق شعر مخالفت نمود؛ بلکه به شعر، مسیری صحیح داد و از شعری که در جهت اهداف عالی اسلامی و اخلاقی باشد، تمجید نمود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به حسان بن ثابت که از شاعران مطرح آن روزگار بود فرمودند: ای حسان! تا وقتی که از ما دفاع کنی مؤید به تأییدات روح القدس خواهی بود.^۲

امام باقر علیه السلام از این ابزار ارتباط فرهنگی به خوبی برای ترویج فضائل اهل بیت علیهم السلام و حقوق ائمه علیهم السلام از جمله اندیشه نصب الهی امام بین امامیان استفاده کرده‌اند. آن حضرت بارها از کمیت بن زید اسدی که نسبت به اهل بیت علیهم السلام تولی و نسبت به دشمنانشان تبری داشت، حمایت کردند و تشویق‌های معنوی و مادی فراوانی داشتند. در گزارشی، کمیت خدمت امام باقر علیه السلام می‌رسد و قصیده‌ای در مورد اهل بیت علیهم السلام می‌خواند. امام باقر علیه السلام به خادم خود می‌فرماید که هبه‌ای به وی عطا کند. در ادامه، دو بار دیگر کمیت اشعاری در مورد اهل بیت علیهم السلام می‌خواند و هر بار امام باقر علیه السلام به او هدیه‌ای می‌دهند.^۳

۱. شعرا: ۲۲۴-۲۲۶.

۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۲۰/۴۳۳.

۳. مفید، محمد بن محمد، اختصاص، ص ۲۷۱-۲۷۲.

در گزارش دیگری امام علیه السلام به کمیت می‌فرماید: اگر غرضت از اشعاری که برای ما اهل بیت گفتمی به دست آوردن امور دنیوی باشد، من حاضریم تمام مالم را تا کفش هایم، به دو قسمت مساوی تقسیم کنم و نیمی از اموالم را به تو ببخشم.^۱ این‌گونه بخشش مال از سوی امام علیه السلام برای سرودن چند قصیده، نشان از توجه بسیار امام علیه السلام به مسئله شعر دارد.

آن حضرت افزون بر اهدای هدیه مادی، به تشویق معنوی کمیت نیز پرداخته است. امام علیه السلام به او می‌فرمود: مادامی که در مورد ما اهل بیت شعر می‌سرایی، روح القدس مؤید تو است.^۲ بشارت دادن شاعری که در مورد اهل بیت علیه السلام شعر می‌سراید به این‌که مورد یاری روح القدس قرار گرفته است، یک تشویق معنوی ارزشمند است که نقش بسیاری در تشویق شاعر خواهد داشت؛ چراکه روح القدس مؤید انبیا و اوصیای الهی است. افزون بر کمیت که برجسته‌ترین شاعر امامی در عصر امام باقر علیه السلام بود، گویا معروف بن خربوذ مکی نیز سروده‌هایی درباره اهل بیت علیه السلام داشته است که امام از او خواسته‌اند اشعارش را بخواند.^۳

۲-۱-۲. حمایت از قصه‌گویان اهل بیت علیه السلام

از جمله گروه‌های فعال در عرصه فرهنگ عمومی، قصاصین (داستان‌سرایان) بودند؛ تا آن‌جا که بیشتر، عموم مردم گرد آنان جمع می‌شدند و به سخنان ایشان گوش می‌دادند. ابوطالب مکی نقل می‌کند، شمار حاضران در مجلس علم، کمتر از بیست یا سی نفر است، اما در مجلس قُصّاص، مذکران و واعظان، صدها نفر شرکت می‌جویند.^۴ در اوضاعی که داستان‌سرایان چنین نقشی در اداره فرهنگ عمومی جامعه اسلامی داشتند و تأثیرگذار بر آن بودند، سخنان آنان در مورد اهل بیت علیه السلام و

۱. جمعی از اصحاب ائمه، الاصول الستة عشر، ص ۳۰۴-۳۰۵.

۲. کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۲۰۷-۲۰۸.

۳. صدوق، محمد بن علی، امالی، ص ۴۰-۴۱.

۴. نصرای، محمد و میرحسینی، یحیی، «کارکرد اجتماعی حرفه قُصّاص در سده‌های نخستین اسلامی: کوششی برای تحلیل زبان‌شناسانه تاریخ یک انگاره»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ۵۶ / ۱۳۳-۱۶۵.

حقوق ایشان، از جمله منصب الهی امامت آنان، می‌توانست در بین مردم به خوبی منتشر شود. حال در این میان شاهدیم امام باقر علیه السلام ضمن تمجید یکی از آنان، که به ذکر حقوق و فضائل اهل بیت علیهم السلام می‌پرداخت، بیان می‌کند که دوست می‌داشته است بر هر سی ذراعی، یک قصاص اهل بیت وجود داشت.^۱

۲-۲. اجرایی ساختن یکی از مسئولیت‌ها و حقوق امام منصوب از جانب خداوند

امام باقر علیه السلام افزون بر طرح اندیشه نصب و به‌کارگرفتن روش‌هایی برای باورمندسازی امامیه به آن، یکی از حقوق و مسئولیت‌های امام منصوب از جانب خداوند را اجرایی ساخت. اجرایی نمودن این لازمه منصب الهی امامت در جلوه‌گری این آموزه بین امامیان و باورمندسازی آنان، نقش مهمی داشت. امام علیه السلام با نظر داشت این مطلب، به احیای مسئله خمس همت گماشت. مقایسه تعداد و محتوای روایات رسیده از آن حضرت با احادیث امامان پیشین، نشان از توجه فراوان ایشان به مسئله خمس دارد. با مراجعه به کتاب الخمس کتاب وسائل الشیعة، به فراوانی روایات امام باقر علیه السلام نسبت به روایات امامان پیش از آن حضرت پی می‌بریم.^۲ از نظر محتوا نیز روایات امام باقر علیه السلام به تشریح کامل مسئله خمس پرداخته‌اند؛ نخست این‌که روشن کرده‌اند صاحب خمس، امام است.^۳ از سوی دیگر به عواقب نپرداختن خمس اشاره داشته‌اند؛ چنان‌که فرموده‌اند: اگر شخصی درهمی از حق یتیم (خمس) را بخورد، اهل جهنم می‌شود و ما ایتام هستیم.^۴ نیز فرموده‌اند: از

۱. کشی، محمد بن عمر، همان، ص ۲۱۴-۲۱۵.

۲. کتاب وسائل الشیعة که از جامع‌ترین و معتبرترین کتاب‌های حدیثی شیعه در مباحث فقهی، از جمله موضوع خمس است، به خوبی می‌تواند نشانگر فزونی تلاش امام باقر علیه السلام نسبت به ائمه پیشین در موضوع خمس باشد. راجع به این موضوع، از امام باقر علیه السلام حدود سی روایت - با احتساب روایات تکراری - وجود دارد؛ در حالی‌که تنها یک روایت از امام سجاد علیه السلام رسیده است و هیچ روایتی از امام حسن و امام حسین علیهم السلام مشاهده نمی‌شود. روایات چندی که از امام علی علیه السلام در این زمینه وجود دارد نیز غالباً توسط امامان متأخر نقل شده است.

۳. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۵۱۱/۹ و ۵۵۲.

۴. همان، ۴۸۳/۹.

ثروتی که بدان خمس تعلق گرفته است، خریدن نمودن حلال نیست، مگر این که نخست حق ما پرداخت شده باشد.^۱ هم چنین در روایاتی به مواردی که خمس به آنها تعلق می‌گیرد اشاره نموده‌اند.^۲

این سخنان امام باقر علیه السلام باعث توجه اصحاب ایشان به پرداخت خمس شده بود. حکم بن علباء اسدی که حکومت بحرین را برعهده داشت و اموال فراوانی به دست آورده بود، خدمت ایشان می‌رسد و می‌خواهد خمس اموال خویش را پرداخت نماید.^۳ به این ترتیب می‌توان گفت امام باقر علیه السلام خمس را که یکی از مسئولیت‌ها و حقوق امام منصوب از جانب خداوند است، به خوبی تبیین و پیاده‌سازی نموده بود.

دیگرمسئله اقتصادی‌ای که مورد توجه امام باقر علیه السلام قرار گرفته، مسئله انفال و فیه است. روایات فراوانی از آن امام درباره انفال و فیه رسیده است که نشان از توجه فراوان آن حضرت بر این مسئله دارد.^۴ انفال^۵ و فیه^۶ همان‌طور که در قرآن کریم ذکر شده، از آن خداوند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: انفال و فیه برای خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و در نبود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، از آن امام منصوب از جانب خدا است.^۷ مسئله انفال و فیه جنبه حکومتی دارد؛ لذا دیدگاه

۱. همان، ۹/۴۸۴.

۲. همان، ۹/۴۹۱.

۳. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ۴/۱۳۷.

۴. در کتاب وسائل الشیعة، باب «ابواب الانفال و ما یختص بالامام»، در مورد موضوعات مختلف انفال و فیه حدود ده روایت از امام باقر علیه السلام وجود دارد؛ این در حالی است که از امام سجاد علیه السلام و امام حسین علیه السلام و امام حسن علیه السلام هیچ روایتی وجود ندارد و تنها یک روایت مستقیم از امام علی علیه السلام رسیده است. این تعداد روایات صادر شده از امام باقر علیه السلام به خوبی نشانگر تأکید فراوان آن حضرت بر یکی از مسائل اساسی در شکل‌گیری توان اقتصادی امام جامعه است.

۵. انفال: ۱.

۶. حشر: ۷.

۷. حرعاملی، محمد بن حسن، همان، ۹/۵۲۷-۵۲۸ و ۵۳۲-۵۳۳.

امام باقر علیه السلام در مورد صاحب انفال و فیء بودن ائمه علیهم السلام، گواهی بر این است که آن حضرت خویش را جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله می داند و به دنبال مهیا کردن بازوی اقتصادی امامت است. حتی در روایاتی صریحاً آن حضرت ذکر می کند، هرآن چه برای پادشاهان است، برای ما امامان نیز هست.^۱

نکته شایان توجه در طرح مسئله خمس و انفال و فیء این است که توجه فراوان امام علیه السلام به این امور، خود گواه روشن دیگری بر حقانیت ائمه علیهم السلام در مسئله امامت و جانشینی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است؛ چراکه اگر در روایات فراوانی بر حق امامت خویش تأکید کرده اند، در این دسته از روایات نیز بر یکی از حقوق اختصاصی منصب امام برگزیده از جانب خداوند اصرار ورزیده اند. احیای حقوق و مناصب امام منصوب از جانب خداوند از سوی امام باقر علیه السلام، نقش فراوانی در نهادینه شدن آموزه نصب بین امامیان داشته است.

پیامدهای نهادینه شدن اندیشه نصب الهی امام

مسئله نصب الهی امام از مهم ترین وجوه تمایز امامیه با سایر فرق شیعی و غیر شیعی است. این اندیشه که با تلاش های امام باقر علیه السلام در بین امامیان طرح و نهادینه شد، پیامدهای مهمی برای جامعه امامیه داشت. در این مجال به دو دستاورد مهم نهادینه شدن آموزه نصب اشاره می کنیم. نخستین دستاورد مهم فزونی یافتن درک و فهم شیعیان از مقام امامت است. بسیاری از اصحاب و پیروان ائمه پیش از امام باقر علیه السلام، از علاقه مندان به اهل بیت علیهم السلام بودند، ولی ایشان را به عنوان امام منصوب از جانب خداوند باور نداشتند. با نهادینه شدن این اندیشه بین اصحاب و علاقه مندان ائمه علیهم السلام، آنان به مقام رفیع ایشان آگاهی پیدا کردند و از باورمندان به امامت منصوب از جانب خداوند شدند.

امام علی علیه السلام شیعیان فراوانی داشتند که حتی در رکاب آن حضرت در جنگ ها آماده می شدند و جان فشانی می کردند؛ در حالی که تعداد باورمندان به امامت

الهی آن حضرت به پنجاه نفر نیز نمی‌رسید.^۱ این روند تا عصر امام باقر علیه السلام ادامه پیدا کرد؛ بدین شکل که امام حسن و امام حسین و امام سجاد علیهم السلام نیز اصحاب فراوانی داشتند، اما تعداد معتقدان به امامت آن حضرات، کمتر از صد نفر و در حدود همان پنجاه نفر بود.

در همان اوائل امامت امام باقر علیه السلام، حمران بن اعین یکی از اصحاب خاص آن حضرت، به کمی تعداد امامیان باورمند به امامت الهی اشاره می‌کند و خدمت آن حضرت عرض می‌کند که تعداد ما آن قدر کم است که اگر دور هم جمع شویم، نمی‌توانیم در یک وعده غذایی، گوسفند قربانی شده را تمام کنیم. امام باقر علیه السلام در جواب می‌فرماید: چیز عجیب‌تری برایت بگویم و آن این‌که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تنها سه نفر با امام علی علیه السلام باقی ماندند.^۲ تلاش‌های امام باقر علیه السلام در جهت تبیین و باورمندسازی شیعیان به آموزه نصب الهی به این نتیجه رسید که در پایان حیات آن حضرت، انبوهی از انسان‌های باورمند به این عقیده وجود داشت؛ تا آن‌جا که هشام بن عبدالملک امام باقر علیه السلام را نبی مردم عراق عنوان می‌کرد.^۳ این کلام، به انبوه پیروان آن امام در عراق و هم‌چنین نگاه مقدس و پیامبرگونه به آن حضرت اشاره دارد.

دومین پیامد نهادینه شدن آموزه نصب، حفظ یکپارچگی و انسجام جامعه امامیه در جانشینی امام باقر علیه السلام است. پی‌ریزی‌های امام باقر علیه السلام به گونه‌ای بود که در هنگام درگذشت ایشان نیز انحراف قابل‌اعتنایی ایجاد نشد و افتراقی بین پیروان آن حضرت پدید نیامد. بعد از درگذشت امام باقر علیه السلام، اصحاب آن حضرت به امام صادق علیه السلام پیوستند و حضرت صادق علیه السلام را حجت منصوب از جانب خداوند بر خود فرض نمودند. امام باقر علیه السلام فرزندش امام صادق علیه السلام را به عنوان امام بعد از خود به بسیاری از اصحاب خویش معرفی کرده بود.^۴ در کنار این معرفی مشخصه،

۱. کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۶.

۲. همان، ص ۷.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ۸/ ۱۲۰-۱۲۲.

۴. همان، ۱/ ۳۰۶-۳۰۷.

نشانه‌هایی را نیز برای شناخت امام منصوب از جانب خداوند بیان کرده بود که اصحاب با پیگیری آنها می‌توانستند امام را بشناسند.

یکی از نشانه‌های مهم، باور به علم ویژه برای امام منصوب از جانب خداوند بود؛ علمی که برای انسان‌های عادی دارا بودن آن ناممکن بود و نشانه بسیار خاصی برای شناخت امام منصوب بود. امام باقر علیه السلام به طرق مختلفی، گستردگی علم ائمه علیهم السلام را به امامیان آموخته بود. یکی از نشانه‌هایی که امام باقر علیه السلام برای شناخت علم ویژه امام مشخص می‌نمود، توانایی امام برای پاسخ به هر سؤالی از آیات قرآن کریم بود. در گزارشی ابوالجارود از امام باقر علیه السلام نشانه‌های شناخت امام بعدی را می‌پرسد و امام یکی از نشانه‌ها را پاسخ به هر سؤالی از قرآن کریم معرفی می‌کند.^۱ امام باقر علیه السلام در چند روایات نیز بیان نموده‌اند که تمام قرآن همان‌طور که نازل شده، تنها در اختیار ما اهل بیت است و علم به تمام ظاهرو باطن قرآن نیز منحصر در ائمه است.^۲ هم‌چنین، آن دسته از روایات امام باقر علیه السلام که بیان می‌کند، علم امام قبلی به امام بعدی می‌رسد، و نیز روایاتی که بیان می‌کند، علمی که بر حجج الهی از نزد خداوند فرود آمده است هرگز از بین نمی‌رود و به حجج الهی منتقل می‌شود،^۳ بر این‌که حجت الهی صاحب علم اختصاصی است، دلالت دارند.

تبیین این آموزه از سوی امام باقر علیه السلام و نهادینه شدن آن در بین امامیه، ملاکی برای شناخت حجت الهی نیز شد. روزی زید بن علی از سوره بن کلیب می‌پرسد که چگونه دانستید امام صادق علیه السلام ویژگی‌هایی که شما معتقدید امام باید دارای آنها باشد را دارا است؟ سوره بن کلیب می‌گوید: بر اساس یک امتحان به این نتیجه رسیدیم. زید می‌گوید: چگونه آزمودید؟ سوره بیان می‌کند: خدمت برادرت محمد بن علی می‌رفتیم و هر سؤالی که داشتیم می‌پرسیدیم و آن حضرت بر اساس

۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۱/ ۴۸۹.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۱/ ۲۲۸، ح ۱-۲ و ۱/ ۲۲۹.

۳. همان، ۱/ ۲۲۲.

کتاب خدا و سخنان پیامبر ﷺ بدان‌ها پاسخ می‌داد. بعد از آن حضرت به سراغ تمام آل محمد رفتیم که توهم از جمله آنان بودی؛ هیچ کدامتان نتوانستید به تمام سؤالات ما پاسخ دهید تا این که خدمت برادرزاده تو، جعفر بن محمد رفتیم. آن حضرت تنها کسی بود که همانند پدرش به تمام سؤالات ما پاسخ داد.^۱

اما وجود گزارشاتی در مورد به وجود آمدن افتراق بین امامیه و شکل‌گیری فرقه‌های جدید پس از امام باقر علیه السلام، قابل اعتنا نیست. یکی از این ادعاها، به وجود آمدن فرقه‌ای به نام «باقریه» پس از درگذشت امام باقر علیه السلام است. به وجود این فرقه در الفرق بین الفرق بغدادی، تبصیر الدین اسفراینی، الملل و النحل شهرستانی و اعتقادات فرق المسلمین فخرالدین رازی اشاره شده است.

چنان‌که از ترتیب تاریخی کتب یاد شده پیدا است، نخستین کتابی که این مسئله در آن مطرح شده، الفرق بین الفرق بغدادی است. سخنان اسفراینی تقریباً همان سخنان بغدادی است.^۲ از این همانندی می‌توان نتیجه گرفت که یا هر دو از یک منبع نقل می‌کنند، یا اسفراینی مطالبش را از بغدادی اخذ کرده است. شهرستانی نیز اطلاعات اندکی در مورد باقریه به دست می‌دهد که تنها مشخص می‌کند باقریه در امام باقر علیه السلام توقف کرده‌اند و منتظر رجعت وی هستند.^۳ فخرالدین رازی نیز اطلاعات مختصری در این زمینه به دست می‌دهد. وی تنها به این امر بسنده می‌کند که باقریه معتقدند امام باقر علیه السلام وفات نیافته و غائب است.^۴ در بررسی ادعای فرقه‌ای به نام «باقریه» باید گفت هیچ‌کدام از مقالات نویسان قبل از بغدادی چنین ادعای را مطرح نکرده‌اند؛ در کتاب‌های مقالات الاسلامیین اشعری، المقالات و الفرق اشعری قمی و فرق الشیعة نوبختی چنین مطلبی وجود ندارد. در کتب رجالی و حدیثی و تاریخی نیز هیچ اشاره‌ای به وجود فرقه باقریه

۱. کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۳۷۶.

۲. مقایسه کنید: اسفراینی، ابوالمظفر، التبصیر، ص ۳۱-۳۲، با: بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، ص ۴۵.

۳. شهرستانی، محمد، الملل و النحل، ۱/ ۱۹۳.

۴. فخررازی، محمد، اعتقادات فرق المسلمین، ص ۳۸.

نشده است. به نظر می‌رسد بغدادی و دیگر فرقه‌نویسان با کوچک‌ترین تأملی که برخی از اصحاب در مورد شناخت امام بعد از امام باقر (ع) انجام داده‌اند، آنان را متهم به وقف بر امام باقر (ع) تازه وفات نموده کرده‌اند.

ادعای دیگر این است که بخشی از پیروان امام باقر (ع) بعد از وفات آن حضرت به امامت محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب (مشهور به نفس الزکیه) معتقد شدند. نوبختی و اشعری قمی عنوان می‌کنند که پیروان امام باقر (ع) بعد از آن حضرت به دو گروه تقسیم شدند: گروهی به امام صادق (ع) معتقد شدند و برخی نیز از پیروان نفس الزکیه شدند. اگرچه نوبختی و اشعری قمی این گروه را برساختهٔ مغیره بن سعید معرفی می‌کنند،^۱ اما ابوالحسن اشعری معتقدان به امامت نفس الزکیه را دو گروه معرفی می‌کند: گروه نخست پیروان مغیره بن سعید هستند و ادعا می‌کنند وی تا ظهور مهدی که همان محمد نفس الزکیه است امام می‌باشد؛^۲ گروه دوم کسانی هستند که معتقدند نفس الزکیه امام است و به امامت مغیره بن سعید باور ندارند.^۳

در مورد این ادعا باید گفت در سخن نوبختی و اشعری قمی و گروه نخستی که ابوالحسن اشعری معرفی می‌کند، معتقدان به امامت نفس الزکیه همان مغیره بن سعید و اصحابش می‌باشند. حال در مورد وجود چنین گروهی از امامیه که پس از امام باقر (ع) به رهبری مغیره بن سعید ادعای امامت نفس الزکیه کردند، باید گفت در زمان امام باقر (ع) انحراف مغیره بن سعید روشن شد و مورد لعن امام باقر (ع) قرار گرفت.^۴ از این رو نمی‌توان این گروه را از کسانی دانست که بعد از درگذشت امام باقر (ع) از آن حضرت جدا شده‌اند. اما در مورد فرقهٔ دوم در سخن ابوالحسن اشعری که به امامت نفس الزکیه معتقد بودند و به امامت مغیره اعتقادی نداشتند،

۱. نوبختی، حسن، فرق الشیعة، ص ۶۲-۶۳؛ اشعری، سعد، المقالات والفرق، ص ۷۶-۷۷.

۲. اشعری، علی، مقالات الاسلامیین، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۲۴.

۴. ذهبی، محمد، میزان الاعتدال، ۴/ ۱۶۱؛ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر، ۲/ ۴۲.

باید گفت به غیر از ابوالحسن اشعری کس دیگری به وجود چنین فرقه‌ای اشاره نکرده است؛ بلکه افرادی همچون بغدادی^۱، اسفراینی^۲ و شهرستانی^۳ پیروان نفس‌الزکیه را همان مغیره معرفی می‌کنند. پس با وجود این، به نظر می‌رسد که معتقدان به امامت نفس‌الزکیه همان پیروان مغیره بوده‌اند.

ادعای آخر درباره منشعب شدن فرقه‌ای جدید از امامیه پس از وفات امام باقر علیه السلام، تنها از جانب ابوالحسن اشعری مطرح شده است. وی مدعی است گروهی از پیروان امام باقر علیه السلام بعد از درگذشت آن حضرت به امامت ابومنصور عجلی معتقد شدند.^۴

این سخن اشعری نیز پذیرفتنی نیست؛ چراکه ابومنصور عجلی از غالیان عصر امام باقر علیه السلام بود که از سوی آن حضرت طرد شد.^۵ پس او در همان عصر امام باقر علیه السلام از آن حضرت جدا شده و از امامیه خارج شده است و ادعاهای او پس از درگذشت امام باقر علیه السلام هرگز به نام امامیه ثبت نخواهد شد.

با بررسی این اقوال به این نتیجه می‌رسیم که انشقاق قابل‌اعتنایی پس از امام باقر علیه السلام به وجود نیامده و قطعاً نقش‌آفرینی آن امام در این باره تأثیر اصلی را داشته است.

نکته قابل توجه دیگر، گزارشی است از ابی عبیده حذا. او بیان می‌کند که در زمان درگذشت امام باقر علیه السلام ما همچون گله‌ای بودیم که چوپان خود را گم کرده بود. روزی سالم بن ابی حفصه مرا دید و گفت: امام تو بعد از ابوجعفر علیه السلام کیست؟ گفتم: یکی از آل محمد. او گفت: هلاک شدی و هلاک کردی! مگر نشنیدی از امام باقر علیه السلام در حالی که من نیز کنارت بودم که می‌فرمود: هر کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد به مرگ جاهلیت مرده است؟! آیا نمی‌دانی امام باقر علیه السلام

۱. بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق، ص ۴۲-۴۵.

۲. اسفراینی، ابوالمظفر، التبصیر، ص ۳۰-۳۱.

۳. شهرستانی، محمد، الملل والنحل، ص ۲۰۹.

۴. اشعری، علی، همان، ص ۲۴-۲۵.

۵. شهرستانی، محمد، همان.

فرزندش جعفر را به جانشینی خویش معرفی کرده است؟! ابی عبیده می‌گوید:
گفتم: بله، می‌دانم که جعفر جانشین ابوجعفر است.^۱

باید گفت این گزارش به افتراقی اساسی اشاره ندارد؛ بلکه براین مسئله اشاره دارد که شکل‌گیری دوباره نظم و انسجام ایجاد شده برگرد امام قبلی - که ریشه در انس با آن امام دارد - برای امام بعدی، طبیعتاً کمی طول خواهد کشید و اندکی سردرگمی ایجاد خواهد شد. نکته شایان توجه در همین گزارش این است که شاهدیم شخصی غیرامامی همچون سالم بن ابی حفصه می‌دانسته که امام باقر علیه السلام فرزندش جعفر علیه السلام را به عنوان جانشین خود انتخاب کرده است. ابی عبیده نیز در برابر سؤال سالم مبنی بر این که از امامت امام صادق علیه السلام اطلاع دارد یا نه، می‌گوید که او هم می‌داند امام صادق علیه السلام جانشین امام باقر علیه السلام است. نکته دیگر در تبیین این روایت این است که غیر از این روایت، هیچ گزارش دیگری در منابع روایی و رجال شیعه وجود ندارد که در آن به حیرت و سردرگمی امامیان بعد از درگذشت امام باقر علیه السلام اشاره شده باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با بررسی شواهد به جای مانده، به این نتیجه رسید که آموزه نصب الهی امام، اگرچه از سوی ائمه پیش از امام باقر علیه السلام نیز مطرح شده بود، اما با تلاش‌های امام باقر علیه السلام این اندیشه به صورت گسترده طرح، و زوایای آن تبیین شد که عمومیت یافتن و نهادینه شدن آن در جامعه امامیه را نتیجه داد. با نهادینه شدن اندیشه نصب الهی امام، بسیاری از مشکلات و انحرافات که می‌توانست به سبب نهادینه نشدن اندیشه رهبری در جامعه امامیه رخ دهد، واقع نشد و امامیان در راهبردی ترین آموزه خویش به انسجام رسیدند. با اثبات اصالت اندیشه نصب در امامیه، زوایای تاریکی از سیر تاریخی اندیشه نصب الهی امام، و هم‌چنین در نگاهی کلان، زوایای تاریخ کلام امامیه روشن می‌شود.

۱. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۲۵۹.

یکی از ثمرات روشن شدن سیرتاریخی اندیشه نصب، مهیا شدن اطلاعات کافی برای پاسخ به شبهه بر ساخته بودن این اندیشه است. پژوهش هایی از این دست می تواند در مورد سایر اندیشه های کلامی امامیه نیز انجام گیرد تا سیرتاریخی اندیشه های کلامی امامیه روشن شود. با روشن شدن سیرتاریخی اندیشه ها، تبیین سیرتاریخی کلام امامیه آسان خواهد بود.

فهرست منابع

کتابها

- ابن حبان، محمد بن حبان، المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین، دار الوعی، بیروت، ۱۳۹۶ ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، دایرة المعارف نظامیه، بیروت، ۱۳۳۰ ق.
- ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، دار الفکر، قم، ۱۹۹۷ م.
- ابن معین، یحیی بن معین، تاریخ ابن معین، تحقیق: أحمد محمد نور سیف، مرکز البحث العلمي وإحياء التراث الإسلامي، بیروت، ۱۳۹۹ ق.
- اسفرائینی، ابوالمظفر، التبصیر فی الدین، تعلیق: محمد زاهد کوثری، المكتبة الأثرية للتراث، قاهره.
- اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، دار النشر، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
- اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، چاپ: محمد جواد مشکور، تهران، ۱۳۶۱ ش.
- برقی، احمد بن محمد، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، بیروت، ۱۳۷۱ ق.
- بغدادی، عبدالقاهر بن محمد، الفرق بین الفرق، دار الجیل - دار الآفاق، بیروت.
- جمعی از اصحاب ائمه، الاصول الستة عشر، دار الشبستری للمطبوعات، قم، ۱۳۶۳ ش.
- حسکانی، عبیدالله، شواهد التنزیل، مؤسسه چاپ و نشر، قم، ۱۴۱۱ ق.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، أعلام الدین، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
- ذهبی، شمس الدین محمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: علی محمد البجاوی، دار المعرفة للطباعة و النشر، بیروت، ۱۳۸۲ ق.

شهرستانی، محمد بن عبدالکريم، الملل و النحل، منشورات الشريف الرضي، قم، ۱۳۶۷ ش.

صدوق، محمد بن علي، الأمالي، اعلمی، بيروت، ۱۴۰۰ ق.

-----، علل الشرايع، كتاب فروشى داور، قم، ۱۳۸۵ ش.

-----، كمال الدين و تمام النعمة، دار الكتب الاسلامية، تهران، ۱۳۹۵ ق.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، كتابخانه آيت الله مرعشي، قم، ۱۴۰۴ ق.

طبرسي، فضل بن حسن، مجمع البيان، ترجمه: مترجمان، فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ ش.

طبري آملی، عمادالدين ابوجعفر محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفى، كتابخانه حيدريه، قم، ۱۳۸۳ ش.

طبري، محمد بن جرير، تاريخ طبري (تاريخ الأمم و الملوك)، تحقيق: محمد أبو الفضل ابراهيم، دار التراث، بيروت، ۱۹۶۷ م.

عسکری، مرتضى، عبدالله بن سبا و اساطير اخرى، دار الزهراء، قم، ۱۴۱۲ ق.

عقيلي، محمد بن عمرو، الضعفاء الكبير، تحقيق: عبد المعطي أمين قلعجي، دار المكتبة العلمية، بيروت، ۱۴۰۴ ق.

عياشى، محمد بن مسعود، تفسير العياشي، چاپخانه علميه، تهران، ۱۳۸۰ ق.

فخررازی، محمد بن عمر، اعتقادات فرق المسلمين و المشركين، مكتبة مدبولي، قاهره، ۱۴۱۳ ق.

كشى، محمد بن عمر، رجال الكشي، مؤسسه نشر دانشگاه، مشهد، ۱۴۰۹ ق.

كلىنى، محمد بن يعقوب، الكافي، دار الكتب الإسلامية، تهران، ۱۳۶۵ ش.

لالكائى، هبة الله بن حسن، شرح أصول اعتقاد أهل السنة و الجماعة، تحقيق: أحمد بن سعد بن حمدان الغامدي، دار طيبة، عربستان سعودی، ۱۴۲۳ ق.

مغربي، نعمان بن محمد، شرح الأخبار، تحقيق: محمد حسینی جلالی، مؤسسه النشر الإسلامي، قم.

مفيد، محمد بن محمد، الإختصاص، كنگره شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ ق.

نجاشي، احمد بن علي، رجال النجاشي، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۷ ق.

نسائی، احمد بن شعيب، الضعفاء و المتروكون، تحقيق: محمود إبراهيم زايد، دار الوعي، بيروت، ۱۳۹۶ ق.

نعمانی، محمد بن ابراهيم، الغيبة، مكتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۷ ق.

نویختی، حسن، فرق الشیعة، تحقیق: محمدجواد مشکور، بنیاد فرهنگ، تهران، ۱۳۷۵ ش.

مقالات

نصراوی، محمد و میرحسینی، یحیی، «کارکرد اجتماعی حرفه فُصَّص در سده‌های نخستین اسلامی: کوششی برای تحلیل زبان‌شناسانه تاریخ یک انگاره»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، دوره ۲۰، شماره ۵۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.

منهجية تثبيت فكرة النصب الإلهي للإمام بين الإمامية من قبل الإمام الباقر عليه السلام

روح الله رجبى بور^١

محمد تقي سبحاني^٢

الخلاصة:

تعتبر عقيدة النصب الإلهي للإمام من عقائد الإمامية البارزة، وقد لاقت تطورات عديدة في مراحل مختلفة، ومن أهم تلك التطورات الطرح الأولي والإجمالي لهذه العقيدة، والطرح التفصيلي لها وتركيزها بين الإمامية، والطرح العلني لها بين المجتمع الإسلامي. تروم هذه المقالة لدراسة إحدى تحولات هذه وأهمها، وهي مرحلة تثبيت هذه الفكرة وتعميمها، على أساس المنهج الوصفي - التحليلي. تستنتج هذه المقالة أن الأئمة قبل الإمام الباقر عليه السلام وإن أشاروا في كلماتهم إلى نصب الإمام من قبل الله ﷻ إلا أن الإمام الباقر عليه السلام بمساعيه قد ثبتت هذه العقيدة بين الإمامية، وكانت من نتائج هذا التثبيت هو رسوخ هذه العقيدة بين الإمامية، وعدم انشقاق صفهم بعد الإمام الباقر عليه السلام في معرفة خليفته.

المفردات الأساسية: عقيدة النصب الإلهي للإمام، خليفة الإمام الباقر عليه السلام، تاريخ كلام الإمامية.

١. طالب دكتوراه المعارف الإسلامية في جامعة باقر العلوم عليه السلام، (الكاتب المسؤول).

٢. عضو الهيئة العلمية في مركز العلوم والثقافة الإسلامية، ورئيس المجمع الكلامي.

The Process of Institutionalization of the Doctrine of the Divine Designation of the Imam in the Community of the Twelver Shiites by Imam Muhammad al-Baqir

Rouhollah Rajabipour¹ / Mohammad Taqi Sobhani²

Abstract

The doctrine of the Divine designation of the Imam which is an outstanding doctrine of the Twelver Shiism has undergone various stages over time. Of them, references must be made to its noteworthy stages, its initial and basic idea of the mere Divine designation, its developed interpretation, and its institutionalization and public dissemination amongst the Twelver Shiites. This study proves that although the Infallible Imams who preceded the fifth Infallible Imam Muhammad al-Baqir had made references to the Divine nature of the appointment of the Infallible Imam, it was the Infallible Imam Muhammad al-Baqir who institutionalized the doctrine of the Divine designation. This trend led to notable increase in the conviction of the believers to the nature and mechanism of such appointment, hence their steadfastness in admitting the Infallible Imam who succeeded Imam Muhammad al-Baqir.

Keywords: The Divine doctrine of appointment of the Infallible Imam, successorship to Imam Muhammad al-Baqir, history of the Imamite theology.

1. PhD Student, The Teaching of Islamic Maaref, the Minor of Islamic History and Civilization, Bagher al-Ulum University. [Email: roh.rajabipor@yahoo.com](mailto:roh.rajabipor@yahoo.com)

2. Faculty Member of Islamic Science and Culture Academy and the Chief of Qom Hawza Kalam Seminary. [Email: sobhani.mt@gmail.com](mailto:sobhani.mt@gmail.com)